

مقاله پژوهشی

ظرفیت های بین المللی رسیدگی حقوقی ترور شهادای هسته ای ایران

صالح رضایی پیش رباط^۱، هاشم زعفرانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

چکیده: ترور دانشمندان هسته ای ایران از جمله رویدادهای مهم و البته تلخ کشور در دهه های اخیر به شمار می آید. این موضوع از منظرهای مختلف می تواند مورد بررسی قرار گیرد و مقاله حاضر در نظر دارد آن را از منظر حقوقی و به روش استقرای منابع حقوقی و استنباط پاسخ سوال مطروحه با تفسیر مناسب از قواعد کلی حقوقی بررسی و ارزیابی نماید. پرسش اصلی که این مقاله در صدد پاسخ به آن می باشد این است که در عرصه بین المللی چه ظرفیت هایی برای رسیدگی حقوقی ترور این دانشمندان وجود دارد و جمهوری اسلامی ایران تا چه میزان می تواند از آن ها در جهت احقاق حقوق حقه خود استفاده نماید؟ فرضیه و یافته های این پژوهش حاکی از آن است که در وضعیت فعلی، در حقوق بین الملل سازوکارهایی برای رسیدگی حقوقی ترور دانشمندان هسته ای پیش بینی شده است که جمهوری اسلامی ایران نیز می تواند در چارچوب مقرر و موجود، از آن ها استفاده نماید؛ اما در عین حال خلاها و کاستی هایی نیز در این زمینه وجود دارد که ممکن است پیگیری حقوقی این ترورها را با چالش هایی مواجه نماید.

واژگان کلیدی: آژانس بین المللی انرژی اتمی، تعقیب کیفری و حقوقی، تروریسم، حقوق بشر، دانشمندان هسته ای، دیوان بین المللی دادگستری، دیوان بین المللی کیفری.

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فنون هسته ای، تهران، ایران.

Email: srezaie@aeoi.org.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

۱. مقدمه

ترور دانشمندان هسته‌ای سابقه‌ای به اندازه خود انرژی هسته‌ای دارد. اصولاً این نوع ترورها با هدف سیاسی و به منظور ایجاد مانع در توسعه فعالیت‌های هسته‌ای یا جلوگیری از افشای اطلاعات هسته‌ای کشورها صورت گرفته و می‌گیرد. در سال ۱۹۴۲، آمریکا و انگلیس، با هدف اختلال در فعالیت‌های هسته‌ای احتمالی آلمان، قتل فیزیکدان برجسته این کشور، ورنر هایزنبرگ^۳ را برنامه‌ریزی نمودند. آن‌ها مطمئن نبودند که هایزنبرگ در برنامه‌های احتمالی اتمی آلمان دخالت دارد و صرفاً احتمال می‌دادند که او به جهت تخصصی که در فیزیک داشت می‌تواند به تقویت آن برنامه‌ها کمک نماید. طرح ترور دانشمندان هسته‌ای پس از پایان جنگ جهانی دوم نیز ادامه پیدا کرد و رژیم اسرائیل بیشترین نقش را در طراحی و اجرای این ترورها تا کنون بر عهده داشته است. در سال ۱۹۶۳، مأموران سازمان امنیت اسرائیل، موساد، طی «عملیات داموکلس»^۴، هاینس کروگ^۵، مدیر یک شرکت آلمانی را که با برنامه‌های نظامی و موشکی مصر همکاری داشت، کشتند. همین‌طور، در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۰، عوامل امنیتی اسرائیل، یحیی المشاد که روی برنامه اتمی عراق کار می‌کرد را در پاریس و در سال ۱۹۹۰، جرال د بول^۶، مهندس کانادایی متخصص توپ‌های دوربرد، را در بروکسل بلژیک به قتل رساندند (Tobey, 2012:64).

طرح ترور دانشمندان هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۸ و با هدف اختلال در فعالیت‌های هسته‌ای کشور کلید خورد. مسعود علی محمدی، استاد فیزیک دانشگاه تهران، نخستین دانشمندی بود که در ۲۲ دی سال ۱۳۸۸ به هنگام خروج از منزل خود در تهران بر اثر انفجار یک بمب کنترل از راه دور به شهادت رسید. مجید شهریاری، فیزیکدان و استاد دانشگاه شهید بهشتی، هدف بعدی بود که در ۸ آذر ۱۳۸۹ با چسباندن بمب مغناطیسی به خودروی حامل وی در تهران به شهادت رسید. در همان روز، فریدون عباسی، فیزیکدان هسته‌ای و استاد دانشگاه نیز، مورد سوءقصد قرار گرفته و مجروح شد. در ۱ مرداد ۱۳۹۰، داریوش رضایی‌نژاد، دانشجوی دکترای مهندسی برق دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، با اصابت ۵ گلوله در مقابل منزلش در تهران به شهادت رسید. مصطفی احمدی روشن، فارغ‌التحصیل دانشگاه شریف و معاون بازرگانی سایت هسته‌ای نطنز، دانشمند بعدی بود که

2. Werner Heisenberg
3. Operation Damocles
4. Heinz Krug
5. Gerald Bull

در ۲۱ دی ۱۳۹۰ پس از خروج از منزل خود در تهران مورد سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید. نهایتاً در ۷ آذر ۱۳۹۹، محسن فخری زاده، دانشمند هسته ای و دفاعی کشور، در اطراف تهران هدف ترور واقع شده و به شهادت رسید.

حقوق بین الملل، تروریسم و حمایت مالی از آن را عمل مجرمانه بین المللی و تهدیدکننده صلح و امنیت بین المللی دانسته (شریفی طراز کوهی، فتح پور، ۱۳۹۶: ۲۲۶-۲۲۵) و در چارچوب قواعد، به دولت قربانی تروریسم اجازه داده است که، ضمن پاسخ به دولت عامل ترور در چارچوب مقررات حق دفاع مشروع پیش بینی شده در منشور ملل متحد (کدخدایی، زرنشان، ۱۳۸۶: ۹۹-۹۸) عاملان اعمال مجرمانه تروریستی را در قالب سازوکارهایی مقرر، تحت تعقیب کیفری و حقوقی بین المللی قرار دهد. همین طور، حقوق بین الملل، سلب خودسرانه حیات انسانها را نقض حقوق بشر و تحت شرایطی عمل مجرمانه بین المللی و تهدیدکننده صلح و امنیت بین المللی (اشرافی، ۱۳۹۳: ۸۷) قلمداد نموده و سازوکارهایی را برای تعقیب کیفری و حقوقی ناقضان یا سالبان آن پیش بینی نموده است. پرسش اصلی که این مقاله در صدد بررسی و ارزیابی آن به روش استقرای منابع حقوقی و استنباط پاسخ سوال مطروحه با تفسیر مناسب از قواعد کلی حقوقی می باشد این است که در قضیه حاضر، جمهوری اسلامی ایران تا چه میزان می تواند از قواعد و سازوکارهای موجود حقوق بین الملل در زمینه مقابله با عاملان تروریسم و سالبان خودسرانه حیات انسانها در جهت تعقیب کیفری و حقوقی عاملان ترور دانشمندان هسته ای، که هم عمل تروریستی (Heller, 2012: 1) و هم سلب خودسرانه حیات انسانها (Broucius, 2013: 1) تلقی می شود، استفاده نماید؟

مقاله حاضر این موضوع را قالب چند مبحث جداگانه از جمله: تعقیب کیفری عاملان ترور دانشمندان هسته ای از طریق دادگاههای ذی صلاح مقرر شده در کنوانسیونهای بین المللی مقابله با تروریسم، دیوان بین المللی کیفری، دادگاه بین المللی کیفری خاص و همین طور تعقیب حقوقی دولت های احتمالی دخیل در این ترورها از طریق اقامه دعوی در دیوان بین المللی دادگستری و تعقیب حقوقی آژانس بین المللی انرژی اتمی از طریق اقامه دعوی در مراجع حقوقی ذی صلاح بین المللی، مورد بررسی و امکان سنجی قرار داده است.

۲. تعقیب کیفری عاملان ترور از طریق محاکم پیش بینی شده در کنوانسیونهای مقابله با بمب گذاری تروریستی و تأمین مالی تروریسم

کنوانسیون مقابله با بمب گذاری تروریستی از جمله کنوانسیونهای بین المللی مصوب در خصوص

مقابله با تروریسم محسوب می‌شود که در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷ تصویب و در ۲۱ می ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون «انداختن، جای‌سازی، انتشار و انفجار مواد منفجره و دیگر مواد مرگبار در داخل یا مقابل اماکن عمومی به قصد قتل یا ایراد آسیب جسمانی به اشخاص (Convention, 1997:art2,1) را عمل تروریستی مجرمانه دانسته و دولت‌های متعاقد را ملزم نموده است تا طبق قوانین ملی خود افرادی را که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند مجرم تلقی کرده و برای آن‌ها مجازات تعیین نمایند. این کنوانسیون در سه مورد (وقوع جرم در سرزمین دولت متعاقد، عرشه کشتی یا هواپیمای آن یا به‌توسط اتباع آن) الزاماً محاکم ملی دولت‌های متعاقد را صالح برای رسیدگی به اعمال مجرمانه موضوع کنوانسیون دانسته است. در پنج مورد زیر نیز به محاکم این دولت‌ها اجازه داده است که جرائم ارتكابی را تحت تعقیب قرار داده و عاملان آن‌ها را محاکمه و مجازات نمایند؛

الف. جرم علیه تبعه آن دولت ارتكاب یافته باشد (صلاحیت شخصی انفعالی).

ب. جرم علیه آن دولت یا حکومت آن ارتكاب یافته باشد.

ج. جرم توسط شخص بدون تابعیت که در آن دولت سکونت دارد ارتكاب یافته باشد.

د. جرم با هدف وادار کردن دولت به انجام یا امتناع از انجام عملی معین ارتكاب یافته باشد.

ه. جرم در عرشه کشتی که تحت بهره‌برداری دولت آن کشور است ارتكاب یافته باشد (convention, 1997:art,6).

هر یک از دولت‌های متعاقد به محض دریافت اطلاعات از دولت متعاقد دیگر مبنی بر اینکه شخص متهم یا مظنون به اعمال مجرمانه مذکور در کنوانسیون در قلمرو آن است طبق قانون ملی خود تحقیقات و بررسی‌های خود را آغاز خواهد کرد و اقدامات لازم را به منظور تضمین محاکمه یا استرداد شخص مذکور به دولت‌های دیگر را به عمل خواهند آورد (Convention, 1997:art,7). دولت متعاهدی که شخص متهم یا مظنون در قلمرو آن یافت شده یا ساکن آن هست ملزم است طبق قوانین خود این شخص را تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد یا متهم را به دیگر کشور متعاهدی که محاکم آن صلاحیت رسیدگی دارند و استرداد او را درخواست نموده‌اند مسترد نمایند. تمامی جرائم موضوع کنوانسیون جزو جرائم قابل استرداد بوده و دولت‌های عضو کنوانسیون نمی‌توانند تحت هیچ شرایطی جرائم مذکور را جرم سیاسی قلمداد نموده و از استرداد مجرمان امتناع نمایند (Witten, 1997:776).

حقوق بین الملل، تأمین مالی عاملان بمب گذاری تروریستی را نیز عمل مجرمانه تلقی کرده است. در این خصوص کنوانسیون بین المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم^۶ مقرر داشته است که تأمین یا جمع آوری وجوه جهت ارتکاب عمل تروریستی از طریق بمب گذاری، عمل مجرمانه محسوب شده و دولت های متعاقد ملزم به جرم انگاری و اعمال صلاحیت قضایی خود نسبت به این جرم می باشند. همانند کنوانسیون مقابله با بمب گذاری تروریستی، این کنوانسیون نیز دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم موضوع کنوانسیون را دادگاه تمامی کشورهای متعاقد به شرح توضیح داده در بالا مقرر نموده است (سمیعی اصفهانی، بهرامی مقدم، افشاری، ۱۳۹۴: ۱۲۴). موارد اعمال صلاحیت قضایی کشورهای متعاقد و چگونگی تعقیب متهمان طبق این کنوانسیون همانند کنوانسیون مقابله با بمب گذاری تروریستی است.

هرچند که برخی از حقوق دانان ادعا نموده اند که ترور دانشمندان هسته ای از مصادیق تروریسم به حساب نمی آید (Meisel, 2014:208-210)، اما تعریف مقرر در کنوانسیون مقابله با بمب گذاری تروریستی در این خصوص صراحت داشته و تردیدی در تروریستی بودن ترور دانشمندان هسته ای ایران و اساساً شمول مقررات این کنوانسیون و همین طور مقررات کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم بر این موضوع باقی نمی گذارد. کنوانسیون مقابله با بمب گذاری تروریستی، قتل یا آسیب جسمانی اشخاص در اماکن عمومی به وسیله مواد انفجاری را از مولفه های اصلی تروریسم و اعمال مجرمانه دانسته که تمامی آن ها در مورد ترور دانشمندان هسته ای مصداق دارد. ترور این دانشمندان در اماکن عمومی و ملاء عام اتفاق افتاده که مطابق مقررات این کنوانسیون ها مصداق عمل تروریستی به شمار می آید. با این حال، در شرایط فعلی جمهوری اسلامی ایران، به دلیل عدم عضویت در این کنوانسیون ها، نمی تواند از ظرفیت و سازوکار تعقیب کیفری مقرر در این اسناد در جهت تعقیب کیفری عاملان ترورها استفاده نماید. جمهوری اسلامی ایران در صورت پذیرش این کنوانسیون ها، چنانچه دلایل و قرائنی مبنی بر انتساب ارتکاب این اعمال به آن ها موجود باشد، خواهد توانست تعقیب یا محاکمه اشخاص مظنون به دست داشتن در این ترورها و تأمین کننده مالی آن ها را، در هر کشور عضو این کنوانسیون ها که مظنونین در آن جا سکونت داشته یا یافت شوند، تقاضا نموده و در صورت عدم تمایل آن کشورها به محاکمه، استرداد آن ها به کشور را برای محاکمه درخواست نماید.

6. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism New York, 1999.

در حال حاضر در حوزه حقوق بین‌الملل مقابله با تروریسم، جمهوری اسلامی ایران صرفاً می‌تواند از ظرفیت مقرر در کنوانسیون مقابله با تروریسم بین‌المللی سازمان همکاری اسلامی برای تعقیب کیفری عاملان ترور دانشمندان هسته‌ای استفاده نماید. کنوانسیون اخیرالذکر، که ایران نیز از طرف‌های آن به شمار می‌آید، در جولای ۱۹۹۹ تصویب شد و تا کنون (۱۴۰۱) ۱۹ دولت از جمله ایران، مصر، عربستان سعودی، عمان، فلسطین، بحرین، سودان، گینه، نیجر، قطر، بورکینافاسو، مالی، امارات متحده عربی، الجزایر، لیبی، جیبوتی، تونس، عراق و گامبیا به آن ملحق شده‌اند. تعریفی که این کنوانسیون از اعمال تروریستی مجرمانه ارائه داده است (Convention, 1999, art:2,1). در خصوص موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای نیز قابل اعمال است. این کنوانسیون جرم تروریستی را «ارتکاب، شروع به ارتکاب یا مشارکت در هر جرمی دانسته است که به منظور تحقق هدف تروریستی در هر یک از کشورهای متعاقد یا علیه اتباع، دارایی‌ها یا منافع آن کشور یا تأسیسات و اتباع خارجی مقیم در آن قلمرو که مطابق با قوانین داخلی آن کشور مشمول مجازات قرار می‌گیرد، صورت می‌پذیرد.» این کنوانسیون دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم مورد نظر را دادگاه کشورهای متعاقد دانسته است که طبق قوانین ملی خود متهم را محاکمه و مجازات خواهند کرد (Convention, 1999: art:3, b, 1). کنوانسیون، کشورهای متعاقد را ملزم نموده است از سازمان‌دهی، تأمین مالی، ارتکاب، تحریک یا حمایت اقدامات تروریستی، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم و شروع به انجام این اعمال یا مشارکت در آن‌ها امتناع نمایند (Convention, 1999: art:3, 1). همچنین مانع استفاده از قلمرو خود جهت طراحی، سازمان‌دهی و اجرای جرائم تروریستی یا شروع یا مشارکت در این جرائم به هر نحو از جمله ممانعت از نفوذ عوامل تروریست، کسب پناهندگی یا اقامت در آن به صورت فردی یا گروهی یا پذیرفتن، پناه‌دادن، آموزش، مسلح نمودن، تأمین مالی یا ارائه هرگونه تسهیلات به آن‌ها شوند. کنوانسیون، استرداد مجرمان را با قید استثنائاتی پیش‌بینی نموده است (Convention, 1999, :arts5-6). هرچند که به لحاظ حقوقی و حکمی اساساً منعی برای توسل کشور به مقررات این کنوانسیون برای تعقیب کیفری عاملان ترور دانشمندان هسته‌ای وجود ندارد، اما این کافی نبوده و وجود دلایل و مدارکی که انتساب عمل ترور را به اشخاص مشخصی اثبات می‌کنند نیز لازم می‌باشد. بدون این شرط سازوکار پیش‌بینی شده در کنوانسیون برای تعقیب کیفری نمی‌تواند به جریان افتد.

۳. تعقیب کیفری عاملان ترور از طریق دیوان بین‌المللی کیفری

دیوان بین المللی کیفری، که اساسنامه آن در سال ۱۹۹۸ در شهر رم تصویب گردید، فعالیت خود در ۱ جولای ۲۰۰۲ آغاز کرد. تا کنون (۱۴۰۱) ۱۲۳ دولت به اساسنامه دیوان ملحق شده اند. امکان تعقیب کیفری عاملان ترور دانشمندان هسته ای (به عنوان عمل مجرمانه تروریستی و نقض حقوق بشر) از طریق این مرجع منوط به وجود شرایطی است که در اساسنامه دیوان پیش بینی شده است. اولاً دیوان به لحاظ زمانی (صلاحیت زمانی)^۸ در صورتی می تواند صلاحیت رسیدگی به ترور دانشمندان هسته ای را داشته باشد که این ترورها به عنوان یک جرم بعد از لازم الاجرا شدن اساسنامه آن (جولای ۲۰۰۲) اتفاق افتاده باشد (ICC Statute, 1998, art:12). ثانیاً این ترورها در زمره جرائمی قرار گیرد (صلاحیت موضوعی)^۹ که دیوان صلاحیت رسیدگی به آن ها را دارد (ICC Statute, 1998, art:5). ثالثاً موضوع از سوی اشخاص ذی صلاح (صلاحیت شخصی)^{۱۰} پیش بینی شده در اساسنامه به دیوان ارجاع گردد (ICC Statute, 1998, art:12-14).

از نظر صلاحیت زمانی، منعی برای ورود دیوان به موضوع این ترورها و رسیدگی به آن وجود ندارد؛ زیرا ترورها بعد از لازم الاجرا شدن اساسنامه دیوان (۱ جولای ۲۰۰۲) که مبنای شروع صلاحیت زمانی دیوان است، اتفاق افتاده اند. اما به لحاظ موضوعی، ظاهراً مقررات اساسنامه دیوان حاکی از آن است که عمل تروریسم و سلب خودسرانه حیات انسان ها، که در مورد ترور دانشمندان هسته ای مصداق دارد، به طور مستقیم و مشخص در زمره جرائمی نمی باشد که دیوان صلاحیت رسیدگی به آن ها را داشته باشد. دیوان بر اساس اساسنامه خود، منحصراً می تواند به چهار دسته جرائم: نسل کشی، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی و جرم تجاوز به کشورها رسیدگی نماید (ساکی، ۱۳۷۸: ۱۲۳) و اعمال مجرمانه مربوط به تروریسم و سلب خودسرانه حیات به طور مستقیم و مشخص جزو این جرائم محسوب نمی شود. با وجود این و همان طور که برخی از حقوق دانان استدلال نموده اند، چنانچه این اعمال (تروریسم و سلب حق حیات) اسباب ارتکاب جرائم تحت شمول صلاحیت دیوان را فراهم بیاورند در آن صورت امکان تسری صلاحیت موضوعی دیوان به آن ها وجود خواهد داشت (ولی زاده، الماسی، زرشکی، ۱۴۰۰: ۹۹). از نظر این حقوق دانان، تروریسم و سلب خودسرانه حیات انسان ها قابلیت آن را دارند که زمینه یا اسباب ارتکاب یکی از جرائم تحت صلاحیت دیوان را فراهم آورند و به نحو غیرمستقیم در زمره جرائم تحت صلاحیت آن قرار گیرند. تروریسم و قتل

7. Ratione temporis

8. Ratione Materiae.

9. Ratione personae.

خودسرانه انسان‌ها چنانچه به صورت سازمان‌یافته یا گسترده جمعیت غیرنظامی را هدف قرار دهد، می‌تواند وصف مجرمانه جرم علیه بشریت را پیدا کرده و در زمره جرائم تحت صلاحیت دیوان قرار گیرد (ICC Statute, 1998: art:7, a). همین‌طور چنانچه اعمال تروریستی و سلب خودسرانه حیات انسان‌ها با قصد و نیت قتل اعضای گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی یا ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای این گروه‌ها صورت گیرد می‌تواند موجبات ارتکاب جرم نسل‌کشی را فراهم آورده و تحت صلاحیت دیوان قرار گیرد (ICC Statute, 1998: art:6).

در خصوص شرط سوم (ضرورت ارجاع موضوع از سوی اشخاص ذی‌صلاح به دیوان) به نظر می‌آید ارجاع این ترورها به دیوان برای رسیدگی با محدودیت مواجه باشد. اساسنامه، اشخاص ذی‌حق و صالح برای ارجاع اعمال مجرمانه به دیوان را مشخص نموده است. مطابق مقررات اساسنامه دولت‌های عضو اساسنامه که جرم مورد نظر در سرزمین آن‌ها یا کشتی یا هواپیمای ثبت‌شده در آن‌ها ارتکاب یافته و یا اینکه متهم تبعه آن‌ها باشد می‌تواند موضوع را جهت رسیدگی به دیوان ارجاع دهند و دولت‌های غیرعضو از این حق برخوردار نمی‌باشند. به غیر از دولت‌ها به شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز این اختیار داده شده است که در مواردی که موضوع (جرم یا جرائم واقع شده) را در زمره وضعیت‌های تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص می‌دهد آن را به دادستان دیوان ارجاع دهد (سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۶۵). در این مورد عضویت یا عدم‌عضویت دولتی که

موضوع جرم به آن مربوط می‌شود تاثیری ندارد. به طور مثال در این خصوص، شورا در ۳۱ مارس ۲۰۰۵ از این اختیار خود استفاده کرده و با تصویب قطعنامه ۱۵۹۳، ذیل فصل هفتم منشور، وضعیت «دارفور» سودان را جهت تحقیق به دادستان دیوان ارجاع داد (جانی‌پور، خانعلی‌پور، ۱۳۸۹: ۵). در وضعیت فعلی، از آن‌جا که ایران عضو اساسنامه دیوان به شمار نمی‌آید، نمی‌تواند از این ظرفیت و سازوکار استفاده نموده و موضوع تعقیب عاملان ترور دانشمندان هسته‌ای را به آن ارجاع دهد. با این حال، اساسنامه دیوان این امکان را برای دولت‌های غیرعضو پیش‌بینی نموده است که با صدور اعلامیه و ثبت آن در دبیرخانه، صلاحیت دیوان را در مورد خاص پذیرفته و موضوع را جهت رسیدگی به آن ارجاع دهند (ICC Statute, 1998: art 12, 3). ایران می‌تواند از این ظرفیت در پیگیری حقوقی موضوع در دیوان استفاده نماید. در مورد ارجاع موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای به دیوان توسط شورای امنیت نیز، هرچند که اساساً و به طور کلی منع حقوقی برای کشور در توسل به این سازوکار وجود ندارد، اما با توجه به تأثیر جدی ملاحظات غیرحقوقی در تصمیم‌گیری‌های

شورای امنیت، نتیجه گرفتن از این سازوکار در عمل به سختی ممکن می باشد.

۴. تعقیب کیفری عاملان ترور از طریق دادگاه کیفری خاص سازمان ملل

تعقیب کیفری ناقضان حقوق بشر و عاملان اعمال تروریستی از طریق تشکیل دادگاه کیفری خاص توسط سازمان ملل سازوکار دیگری است که حقوق بین الملل آن را فراهم آورده و جامعه بین المللی نیز آن را در عمل تجربه کرده است. در ۲۵ می ۱۹۹۳ شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۸۲۷ دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی^{۱۱} را برای رسیدگی به برخی جرائم ارتكابی متضمن نقض حقوق بشر در قلمرو یوگسلاوی سابق تأسیس کرد. همین طور، در نوامبر ۱۹۹۴، شورا با تصویب قطعنامه ۹۵۵، دادگاه بین المللی کیفری خاص دیگری را در مورد رواندا (دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا)^{۱۲} جهت رسیدگی به نسل کشی ایجاد نمود. در حوزه تروریسم نیز جامعه بین المللی شاهد تأسیس دادگاه های بین المللی خاص بوده است. در سال ۲۰۰۵ و در پی ترور رفیق حریری، نخست وزیر لبنان، در ۱۴ فوریه همان سال شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۱۵۹۵ در ۱۷ آوریل ۲۰۰۵، اقدام تروریستی مذکور را محکوم و کمیسیونی را برای تحقیق عاملان حادثه تأسیس کرد. این کمیسیون، تحقیقات مورد نظر را انجام و به شورا گزارش داد و متعاقب آن شورا در ۲۹ مارس ۲۰۰۶، با تصویب قطعنامه ای دیگر (۱۶۶۴)، مقدمات تأسیس دادگاه ویژه لبنان برای محاکمه و مجازات عاملان ترور رفیق حریری را فراهم آورد (بیگ زاده، میرزاده، ۱۳۹۴: ۶). این دادگاه که محل آن در شهر لاهه هلند است در نوع خود بی نظیر بوده و آن را باید نخستین دادگاه بین المللی یا بین المللی شده برای محاکمه و مجازات عاملان تروریسم دانست.

تأسیس دادگاه بین المللی کیفری خاص جزو صلاحیت های انحصاری شورای امنیت نبوده و به نظر می آید مجمع عمومی سازمان ملل نیز از چنین صلاحیتی برخوردار باشد. در این زمینه هرچند که دیدگاه ها و نظرات مخالفی نیز مبنی بر عدم صلاحیت مجمع عمومی برای تأسیس دادگاه وجود دارد، اما نظر به این که این رکن نیز همانند شورا مسئولیت هایی (مسئولیت ثانویه) در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی دارد (بند ۲ ماده ۱۱ منشور ملل متحد) و برای انجام این مسئولیت خود می تواند سازوکارهای مناسب را به کار گیرد اساساً منع حقوقی برای تأسیس دادگاه کیفری خاص از سوی این

10. The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

11. International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR)

رکن نمی‌تواند وجود داشته باشد. مضاف بر اینکه ماده ۲۲ منشور ملل متحد صراحتاً به مجمع اجازه می‌دهد که برای انجام وظایف خود می‌تواند ارکان فرعی را تأسیس کند.

با توجه به اختیارات شورای امنیت و مجمع عمومی بر اساس منشور ملل متحد در تشکیل محاکم بین‌المللی کیفری خاص برای تعقیب اعمال مجرمانه و تروریستی و همچنین تجربه و رویه موجود، اساساً و به طور کلی به نظر نمی‌آید منع حقوقی برای پیگرد کیفری عاملان ترور دانشمندان هسته‌ای ایران از طریق دادگاه کیفری خاص تأسیس شده به وسیله شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل وجود داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو سازمان ملل می‌تواند تأسیس چنین دادگاهی را از دو رکن مذکور تقاضا نماید و چنانچه شورای امنیت یا مجمع عمومی تشکیل چنین دادگاهی را ضروری تشخیص دهند می‌توانند نسبت به تأسیس آن اقدام نمایند. موفقیت این اقدام در عمل تا حد زیادی به رایزنی فعال و جدی دیپلماتیک با کشورها، به ویژه شرکای راهبردی و کشورهای همسو با ایران بستگی دارد. تجربه نشان داده رایزنی دیپلماسی فعال می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در تحقق اهداف سیاست خارجی یک کشور ایفا نماید و پیگیری حقوقی موضوع ترور دانشمندان نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

۵. اقامه دعوی حقوقی علیه دولت‌های مسئول در دیوان بین‌المللی دادگستری

مطابق اساسنامه خود، دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی به هر موضوع حقوقی بین‌المللی را که دولت‌های طرف اساسنامه صلاحیت دیوان در آن زمینه را پذیرفته‌اند دارد (ICJ statute, 1945, art:36,2). دیوان تجربه رسیدگی به موضوعات تروریستی و حقوق بشری را داشته است که از جمله موارد اخیر آن می‌توان به دعوی اکراین علیه فدراسیون روسیه اشاره کرد که در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۷ در دبیرخانه دیوان ثبت گردید. در این دعوی اکراین مدعی شده است که فدراسیون روسیه مقررات کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم و کنوانسیون بین‌المللی حذف تمام اشکال تبعیض نژادی در شبه جزیره کریمه را نقض کرده است. هنوز دیوان رأی خود در این دعوی را صادر ننموده است (Marchuk, 2017: 437).

طرح شکایت علیه دولت‌های عامل یا حامی ترور دانشمندان هسته‌ای در دیوان بین‌المللی دادگستری مستلزم شرایط مقرر در اساسنامه دیوان است. بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، دولت‌ها در صورتی می‌توانند علیه یکدیگر در دیوان شکایت نمایند که مقررات اساسنامه و صلاحیت آن را در موضوع متنازع‌فیه پذیرفته باشند. پذیرش این صلاحیت اساساً از طریق معاهدات (اعم از دوجانبه یا

چندجانبه) یا اعلامیه های یک جانبه صورت می گیرد. در ارتباط با ترور دانشمندان هسته ای، دیوان بین المللی دادگستری در صورتی می تواند صلاحیت خود را نسبت به موضوع اعمال کرده و به آن رسیدگی نماید که ایران و دولت هایی که ایران قصد اقامه دعوی علیه آن ها را دارد صلاحیت دیوان برای رسیدگی به موضوع متنازع فیه را پذیرفته باشند. بررسی ها در این مورد حاکی از آن است که در وضعیت فعلی اعمال صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعوی ایران علیه دولت های دخیل در ترورها با محدودیت هایی مواجه است. ایران عضو کنوانسیون مقابله با بمب گذاری تروریستی و کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم، که قابلیت اعمال به موضوع ترور دانشمندان هسته ای را دارند و صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اختلافات ناشی از تفسیر و اعمال مقررات^{۱۳} خود را پیش بینی نموده اند، نمی باشد. این محدودیت به شکل دیگری در ارتباط با معاهدات مربوط به حقوق بشر نیز مشاهده می شود. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۴} (۱۹۶۶)، که به لحاظ موضوعی قابلیت اعمال و استناد در قضیه ترور دانشمندان هسته ای را دارد و ایران نیز از طرف های آن می باشد، متاسفانه صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری برای رسیدگی به اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات خود را پیش بینی ننموده است. استناد به مقررات کنوانسیون الغای تمام اشکال تبعیض نژادی^{۱۵} (۱۹۶۵)، که ایران از طرف های آن محسوب می شود، برای طرح دعوا در دیوان علیه دولت های عامل ترور دانشمندان هسته ای نیز با محدودیت مواجه است. هر چند که این کنوانسیون صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اختلافات طرفین در خصوص موضوعات ناشی از تفسیر یا اجرای مقررات خود را پیش بینی ننموده است (ماده ۲۲)، اما از آنجایی که هدف و موضوع این کنوانسیون از بین بردن اشکال مختلف تبعیض نژادی است، تسری صلاحیت موضوعی دیوان بر اساس این کنوانسیون به موضوع ترور دانشمندان و کارشناسان هسته ای به سختی ممکن به نظر می رسد. در سایر معاهدات مربوط به حقوق بشر نیز محدودیت های مشابهی وجود دارد (آذری، طباطبایی، ۱۳۹۶

۱۲. بند ۱ ماده ۲۰ مقرر داشته است: «هرگونه اختلاف بین دو یا چند دولت عضو در مورد تفسیر یا اجرای این کنوانسیون که از طریق مذاکره در مدت معقول حل و فصل نشود، بنا به درخواست یکی از آن ها به داوری ارجاع خواهد شد. در صورتی که ظرف شش ماه از تاریخ درخواست داوری، طرفین نتوانند در مورد سازمان داوری به توافق برسند، هر یک از طرفین می تواند با درخواست، مطابق با مقررات داوری، اختلاف را بر اساس اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری به دیوان ارجاع دهد.

13. International Covenant on Civil and Political Rights, New York, 1966

14. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, New York, 1965.

۸-۹). و مقررات آن‌ها نمی‌توانند به عنوان مبنای حقوقی اقامه دعوی ایران علیه دولت‌ها در دیوان بین‌المللی دادگستری در ارتباط با ترور دانشمندان هسته‌ای مورد استناد قرار گیرند.

در اسناد حقوقی بین‌المللی مربوط به انرژی هسته‌ای نیز سند حقوقی که توامان صلاحیت موضوعی و شخصی دیوان برای رسیدگی به موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای را صراحتاً و مشخصاً پیش‌بینی نموده باشد مشاهده نمی‌شود. کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای^{۱۶} (Convention, 1979: art, 17, 2) و اصلاحات آن و کنوانسیون بین‌المللی مقابله با اعمال تروریسم هسته‌ای^{۱۷} (Convention, 2005 art: 23, 2)، صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اختلافات طرفین را پیش‌بینی نموده‌اند، لیکن این کنوانسیون‌ها فاقد مقررات صریح و مشخصی در رابطه با حفاظت یا امنیت کارشناسان هسته‌ای بوده و ترور دانشمندان هسته‌ای نمی‌تواند به آسانی تحت شمول و قلمرو آن‌ها قرار گیرد. کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و اصلاحیه آن اساساً به موضوع حفاظت و امنیت مواد و تأسیسات پرداخته و امنیت نیروی متخصص در حوزه هسته‌ای مشمول مقررات آن نمی‌شود. همین‌طور، کنوانسیون بین‌المللی مقابله با اعمال تروریسم هسته‌ای موضوع استفاده غیرمجاز از مواد هسته‌ای و پرتوزا برای ارتکاب اعمال غیرقانونی مشخص و جرم‌انگاری آن‌ها را مورد توجه قرار داده و فاقد مقرراتی در زمینه حفاظت و امنیت کارشناسان هسته‌ای است. صرف‌نظر از این محدودیت و به فرض حتی اگر ترور دانشمندان هسته‌ای تحت شمول مقررات این دو کنوانسیون نیز قرار می‌گرفت، مجدداً جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم عضویت در این اسناد نمی‌توانست از ظرفیت و سازوکار پیش‌بینی شده در آن‌ها استفاده نموده و دعوایی را علیه دولت‌ها در دیوان در ارتباط با موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای اقامه نماید.

در اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^{۱۸}، به عنوان دیگر معاهده مرتبط با انرژی هسته‌ای، محدودیت مربوط به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به اختلافات دولت‌های عضو مشاهده نمی‌شود. بند الف ماده ۱۷ اساسنامه آژانس، که ایران نیز از اعضای آن به شمار می‌آید، صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اختلافات طرفین (دولت‌ها) راجع به تفسیر یا اجرای مقررات اساسنامه را پیش‌بینی نموده است و به این لحاظ ایران در اقامه دعوی علیه دولت‌های مورد نظر با

15. Convention on the Physical Protection of Nuclear Material, Vienna, 1979

16. International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, New York, 2005

17. Statute of International Atomic Energy Agency (IAEA)

مانع حقوقی مواجه نمی‌باشد. با وجود این، استناد به مقررات این معاهده برای اقامه دعوی علیه دولت‌های مورد نظر در ارتباط با ترور دانشمندان هسته‌ای و حصول نتیجه از آن اولاً منوط به این است که دیوان صلاحیت موضوعی خود برای رسیدگی به شکایت ایران را احراز نماید و ثانیاً ایران با مدارک و ادله مثبته انتساب ترور دانشمندان هسته‌ای به دولت‌هایی که در صدد است علیه آنها در دیوان طرح دعوی نماید اثبات کند. اساسنامه آژانس مقررات مشخصی در خصوص لزوم مصونیت و امنیت کارشناسان هسته‌ای یا ممنوعیت ترور آنها پیش‌بینی ننموده است. اساسنامه عمدتاً به بیان اهداف و مسئولیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتباط با توسعه کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای در جهان و پیشگیری از انحراف آن به اهداف نظامی پرداخته است و در متن آن مقرراتی که مشخصاً تعهداتی برای دولت‌ها در ارتباط با امنیت و حفاظت کارشناسان هسته‌ای مقرر نموده باشد مشاهده نمی‌شود. نظر به این واقعیت، به نظر می‌رسد دیوان به سختی بتواند صلاحیت موضوعی خود برای رسیدگی به دعوی ایران علیه کشورهای عضو آژانس در ارتباط با ترور دانشمندان را احراز نماید. ظاهراً این محدودیت در موافقت‌نامه مزایا و مصونیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۹ (به عنوان یکی دیگر اسناد مربوط در حوزه انرژی هسته‌ای)، نیز که ایران در سال ۱۳۵۲ آن را پذیرفته است، وجود دارد. مقررات بخش ۳۴ این موافقت‌نامه صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اختلافات فی‌مابین را پیش‌بینی نموده و به کشورها اجازه اقامه دعوی حقوقی علیه یکدیگر در دیوان بین‌المللی دادگستری در ارتباط با تفسیر یا اجرای مقررات موافقت‌نامه را داده است، لیکن، همان‌طور که از عنوان آن پیداست، موضوع این موافقت‌نامه مزایا و مصونیت‌های مأموران و کارکنان آژانس و دولت‌ها در ارتباط با مسئولیت‌ها و وظایف کاری‌شان بوده و امنیت کارشناسان هسته‌ای مشخصاً در حیطه مقررات آن قرار نمی‌گیرد. از این رو، در صورت استناد ایران به این موافقت‌نامه برای اثبات صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به شکایت علیه دولت یا دولت‌ها در ارتباط با ترور دانشمندان هسته‌ای، احتمال اینکه دیوان بتواند بر اساس مقررات این موافقت‌نامه صلاحیت موضوعی خود در ارتباط با دعوی مطروحه ایران را احراز نماید بسیار ضعیف است.

۶. اقامه دعوی علیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مراجع ذی‌صلاح

18. Agreement on the Privileges and Immunities of the International Atomic Energy Agency, 1973.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مهم‌ترین سازمان بین‌المللی تخصصی در حوزه انرژی هسته‌ای است. بر اساس اساسنامه خود و همچنین سایر موافقت‌نامه‌ها و معاهدات ذی‌ربط، آژانس مسئولیت‌ها و اختیاراتی را در ارتباط با توسعه کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و نظارت بر آن‌ها در جهان بر عهده دارد. این قسمت امکان طرح دعوی حقوقی علیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتباط با ترور دانشمندان هسته‌ای را در دو مرجع حقوقی بین‌المللی: دیوان بین‌المللی دادگستری و محاکم دآوری بین‌المللی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

۱-۶. اقامه دعوی علیه آژانس در دیوان بین‌المللی دادگستری

بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، فقط دولت‌هایی که مقررات اساسنامه و صلاحیت دیوان را پذیرفته‌اند می‌توانند علیه یکدیگر در دیوان اقامه دعوی نمایند (ICJ Statute o1945 art: 34).^{۳۴} طرح دعوی دولت‌ها علیه سازمان‌های بین‌المللی و بالعکس در آن ممکن نمی‌باشد. نظر به این مقررات، ایران اساساً نمی‌تواند دعوی ترافعی علیه آژانس (سازمان بین‌المللی) در دیوان در ارتباط با موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای اقامه نماید (Stephen, 1970: 168). اما در قالب سازوکار رای مشورتی دیوان، فیصله اختلافات بین ایران و آژانس ممکن بوده و ایران می‌تواند تحت شرایطی از این سازوکار برای فیصله اختلاف خود و آژانس استفاده نماید. در این خصوص بخش ۲۶ موافقت‌نامه مزایا و مصونیت‌ها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران (۱۳۵۲) مقرر داشته است: «چنانچه یکی از دول طرف موافقت‌نامه حاضر تشخیص دهد که از مزایا و مصونیت اعطایی به موجب این موافقت‌نامه سوءاستفاده شده است، بین آن دولت (ایران) و آژانس مشاوراتی جهت تشخیص وقوع یا عدم وقوع چنین سوءاستفاده‌ای انجام خواهد شد و در صورت احراز وقوع، نسبت به جلوگیری از تکرار آن کوشش‌های لازم به عمل خواهد آمد. هرگاه از این مشاورات نتیجه رضایت‌بخش برای دولت ایران و آژانس عاید نگردد، مسئله وقوع یا عدم وقوع سوءاستفاده از مزایا و مصونیت‌ها طبق ترتیبات مندرج در بخش ۳۴ حل‌وفصل خواهد شد». بر اساس بخش ۳۴ موافقت‌نامه «در صورتی که اختلافی بین آژانس و یکی از دول عضو بروز کند و طرفین برای حل اختلاف به توافق نرسند، نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری طبق ماده ۹۶ منشور ملل متحد و ماده ۶۵ اساسنامه دیوان استعلام خواهد شد. رأی صادره از طرف دیوان در این مورد از جانب طرفین دعوی به عنوان رأی نهایی پذیرفته خواهد شد».

سازوکار استفاده از نظر مشورتی الزام‌آور دیوان بین‌المللی دادگستری برای حل‌وفصل اختلافات

فی مابین دولت ها و سازمان های بین المللی دولتی در عمل و پیش از این نیز مورد استفاده قرار گرفته و دیوان بین المللی دادگستری از تجربه صدور رای مشورتی در این زمینه برخوردار می باشد. در ۵ اوت ۱۹۹۸ شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد با صدور قطعنامه ای از دیوان بین المللی دادگستری خواست نظر مشورتی خود راجع به قابلیت اعمال بخش ۲۲ ماده ۶ کنوانسیون مزایا و مصونیت های ملل متحد^{۲۰} در مورد آقای کوماراسوامی^{۲۱}، مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر در مالزی صادر نماید. بخش ۲۲ ماده ۶ مربوط به قابلیت اعمال مزایای و مصونیت های سازمان ملل در خصوص مأموران سازمان ملل است. نظر دیوان برای صدور رأی مشورتی در این زمینه بر اساس مقررات بخش ۳۰ کنوانسیون درخواست شد. این بخش که به فیصله اختلافات بین سازمان ملل و دولت های عضو مربوط می شود، مقرر داشته است: «...در صورتی که اختلافی بین سازمان ملل متحد از یک طرف و یکی از دول عضو از طرف دیگر بروز کند نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری طبق ماده ۹۶ منشور و ماده ۶۵ اساسنامه دیوان نسبت به مسائل حقوقی مورد اختلاف اعلام خواهد شد. رأی صادره از طرف دیوان از جانب طرفین دعوی به عنوان رأی قطعی پذیرفته خواهد شد».

دیوان پس از استماع نظرات طرفین و برخی دولت های دیگر و بررسی های لازم رأی خود راجع به این قضیه را در ۲۹ آوریل ۱۹۹۹ صادر و بر آن اساس تکالیفی را در ارتباط با آقای کوماراسوامی برای دولت مالزی تعیین نمود (ICJ Rep, 1999, p 89, para 67).

هرچند که مقررات بخش ۳۴ موافقت نامه مزایا و مصونیت های آژانس بین المللی انرژی اتمی، با رعایت ضوابطی، این امکان را به ایران می دهد که اختلاف خود و آژانس را در زمینه مشخص شده (سوءاستفاده آژانس از مزایا و مصونیت های اعطایی) به دیوان ارجاع نماید، لیکن، استفاده از این امکان منوط به وجود شرایطی است. بر اساس این موافقت نامه، دیوان در صورتی می تواند به شکایت ایران از آژانس مبنی بر مسئول بودن در ارتباط با ترور دانشمندان هسته ای ورود کرده و به آن رسیدگی نماید که اولاً احراز کند که این ترور در زمره موضوعات تحت شمول موافقت نامه بوده و ترورها به واسطه سوءاستفاده آژانس از مزایا و مصونیت های اعطایی رخ داده است. ثانیاً ارجاع اختلاف (ایران علیه آژانس) از سوی یکی از ارکان سازمان ملل به دیوان موجه تشخیص داده شده و تصویب شود. با توجه به موضوع موافقت نامه، که در آن اساساً به مزایا و مصونیت های آژانس

19. Convention on the Privileges and Immunities of the United Nations, New York, 1946

20. Cumaraswamy

پرداخته شده و موضوع امنیت کارشناسان هسته‌ای در آن مشخصاً لحاظ نگردیده است، استفاده ایران از این سازوکار برای طرح مسئولیت آژانس در دیوان در ارتباط با ترور دانشمندان هسته‌ای به آسانی ممکن نمی‌باشد.

۲-۶. اقامه دعوی علیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در محکمه داورى بین‌المللی

فیصله اختلافات بین‌المللی از طریق داورى بین‌المللی یکی دیگر از طرق حقوقی فیصله اختلافات بین‌المللی است که دولت‌ها می‌توانند از آن برای رفع اختلافات بین خود یا دیگر اشخاص، از جمله سازمان‌های بین‌المللی، استفاده نمایند. این امکان در ارتباط با فیصله اختلافات بین‌المللی ایران با آژانس در حوزه مسائل پادمانی پیش‌بینی شده است. در این خصوص مقررات ماده ۲۲ موافقت‌نامه پادمان جامع^{۲۲} بین ایران و آژانس، مصوب ۱۳۵۲، اشعار داشته است: «هرگونه اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقت‌نامه، به‌جز اختلاف ناشی از نتیجه‌گیری شورا تحت ماده ۳۱۹ یا هر عملی که متعاقب چنین نتیجه‌گیری توسط شورا به عمل آمده باشد و از طریق مذاکره یا روش قانونی دیگری که مورد توافق دولت ایران و آژانس بوده حل نگردد، طبق تقاضای هرکدام، به یک دادگاه داورى با ترکیب زیر ارجاع خواهد گردید. دولت ایران و آژانس هرکدام، یک نفر داور تعیین خواهند نمود و این دو داور شخص ثالثی را انتخاب می‌کنند که ریاست دادگاه را به عهده خواهد داشت. در صورتی که ظرف ۳۰ روز از تاریخ تقاضای انتخاب داورى، دولت ایران یا آژانس نسبت به انتخاب داور اقدام نکنند، ایران یا آژانس می‌توانند از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای انتصاب یک نفر داور را بنمایند. همین روش در صورتی که داور سوم ظرف ۳۰ روز از انتخاب و انتظار داور دوم انتخاب نشده باشد، انجام خواهد گرفت دادگاه با اکثریت اعضا به حدنصاب رسیده و کلیه تصمیمات آن مستلزم رای دو داور است. دستورالعمل داورى توسط محکمه تعیین خواهد شد. تصمیمات داورى

21. Agreement Between Iran and the Agency for the Application of Safeguards in Connection with the Treaty on the Non-proliferation of Nuclear Weapons, 1973

۲۲. اگر شورا پس از بررسی اطلاعات گزارش شده به آن توسط مدیرکل، متوجه شود که آژانس قادر به حصول اطمینان از عدم انحراف مواد هسته‌ای مشمول پادمان طبق این موافقت‌نامه، جهت ساخت سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای نمی‌باشد، می‌تواند طبق بند «پ» ماده ۱۲ اساسنامه آژانس (که من بعد اساسنامه نامیده می‌شود) گزارش‌هایی تهیه نماید و سایر اقدامات مذکور در آن بند را در صورت لزوم به عمل آورد. در انجام چنین عملی شورا میزان اطمینان از اقدامات پادمان انجام شده را در نظر خواهد داشت و فرصت مناسب به دولت ایران خواهد داد تا هرگونه تجدید اطمینان لازم را برای شورا فراهم آورد.

برای دولت ایران و آژانس لازم‌الاجرا می‌باشد».

آیا ایران می‌تواند از سازوکار این موافقت‌نامه در جهت طرح دعوی خود علیه آژانس در ارتباط با ترور دانشمندان هسته‌ای، استفاده نماید؟ فراهم شدن این امکان برای ایران در وهله اول منوط به این است که این ترورها تحت صلاحیت موضوعی محکمه داوری پیش‌بینی شده در ماده ۲۲ قرار گیرد. هرچند که این موافقت‌نامه به طور مستقیم و مشخص متضمن مقرراتی در ارتباط با امنیت دانشمندان هسته‌ای یا ممنوعیت ترور یا تعرض به آن‌ها نمی‌باشد، اما در عین حال دربرگیرنده تعهداتی برای آژانس می‌باشد که می‌تواند مبنای طرح دعوی علیه آن را در محکمه داوری مذکور فراهم آورد. موافقت‌نامه، آژانس را متعهد نموده است که در اعمال پادمان بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران کلیه احتیاطات لازم را جهت حفظ اسرار تجاری و صنعتی و سایر اطلاعات محرمانه‌ای که طی اجرای این موافقت‌نامه از آن آگاه می‌گردد، به عمل آورد و هیچ‌گونه اطلاعاتی را که در اجرای این موافقت‌نامه به دست می‌آورد منتشر ننموده یا به کشور، سازمان یا شخص دیگری منتقل نماید. همین‌طور ماده ۱۷ موافقت‌نامه تأکید و تصریح نموده است که اعمال پادمان در ایران از سوی آژانس نباید موجب ورود خسارت به ایران شود و در صورت ورود خسارت آژانس در قبال آن مسئولیت خواهد داشت. مسئولیت آژانس به محرمانه نگاه‌داشتن اطلاعات ناشی از اعمال پادمان در فعالیت‌های هسته‌ای کشورها در اساسنامه آن نیز تصریح شده است. در این خصوص اساسنامه آژانس مقرر داشته است: «فعالیت‌های آژانس باید با رعایت حقوق حاکمیتی مقتضی کشورها انجام شود. همچنین، اساسنامه مقرر داشته است که کارکنان آژانس نباید هیچ‌گونه اسرار صنعتی یا دیگر اطلاعات محرمانه را که به سبب وظایف رسمی‌شان برای آژانس، به آگاهی می‌رسد افشا کنند» (Statute of IAEA). (art 7, art 2(d), art 7) مقررات استخدامی آژانس نیز تأکید و تصریح نموده است: «اعضای دبیرخانه باید نهایت احتیاط را در خصوص تمام امور مربوط به وظیفه رسمی‌شان اعمال کنند. آن‌ها نباید هیچ‌گونه اطلاعاتی را که در دسترس عموم قرار نگرفته است و به دلیل موقعیت رسمی‌شان به آگاهی آن‌ها می‌رسد به شخص یا دولتی منتقل کنند» (رنجبریان، کمالی نژاد، ۱۳۹۲:۱۴).

تحقیقات و یافته‌های کلی دستگاه‌های امنیتی ایران به طور کلی حاکی از آن است که درز اطلاعات فعالیت‌های هسته‌ای ایران از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وقوع ترور دانشمندان هسته‌ای موثر بوده است. تا کنون مقامات ایران به مناسبت‌های مختلف نقش کوتاهی آژانس در حفاظت اطلاعات محرمانه و در وقوع ترور دانشمندان هسته‌ای را متذکر شده‌اند (رنجبریان، کمالی نژاد، ۱۳۹۲).

۱۴-۱۵). در ۱۲ آذر ۸۹ علی اصغر سلطانیه، نماینده وقت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در سخنرانی خود در شورای حکام با انتقاد از عملکرد آژانس در افشای اطلاعات دانشمندان هسته‌ای ایران گفت: «آژانس با انتشار اسامی دانشمندان و متخصصان ایرانی، آنان را در معرض ترور گروه‌های تروریستی و نیز سرویس‌های جاسوسی رژیم اسرائیل و آمریکا قرار داده است. اسامی دانشمندان و متخصصان ایرانی که طی بازرسی‌ها و مصاحبه‌ها، همکاری متعهدانه‌ای با آژانس داشته‌اند، از مجرای آژانس به بیرون درز کرده و در فهرست غیرقانونی تحریم اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفته است». سایت مشرق نیوز، ۲۱ دی ۱۳۹۰ نوشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چندی پیش از به شهادت رسیدن مصطفی احمدی‌روشن با وی ملاقاتی داشته‌اند. در ۲۱ دی ۱۳۹۰ نیز سعید جلیلی، دبیر وقت شورای امنیت ملی، گفت: «آژانس نباید اسامی دست‌اندرکاران برنامه هسته‌ای ایران را فاش می‌کرد» (خبر آنلاین: ۵ خرداد ۱۳۹۴) به دنبال ترور شهید فخری‌زاده نیز در ۲۱ آذر ۱۳۹۹ سخنگوی وزارت خارجه وقت ایران اعلام کرد که افشای اطلاعاتی که در اختیار بازرسان آژانس قرار داده شده بود منجر به ترور برخی دانشمندان هسته‌ای آن شد (خبرگزاری ایلنا، ۲۱ آذر). در ۷ آذر ۱۳۹۹ نیز سفیر و نماینده دائم ایران نزد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دخالت رژیم اسرائیل در ترور دانشمندان هسته‌ای و قصور آژانس در این زمینه یادآور شده و اعلام کرد: «ترور دکتر محسن فخری‌زاده که تداوم اقدامات تروریستی است که از یک دهه قبل با ترور چندین دانشمند هسته‌ای ایران در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ آغاز شد، مستلزم توجه مناسب از سوی جامعه و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط هست... بایستی یادآوری کنم که بلافاصله پس از ترور اولین دانشمند هسته‌ای ایرانی در سال ۲۰۱۰، جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به مدیرکل وقت آژانس اعتراض قاطع خود را درباره انتشار اسامی دانشمندان و کارشناسان خود در گزارش‌های آژانس که به واسطه فعالیت‌های مرتبط پادمانی در دسترس آن قرار می‌گیرند، اعلام نمود... ضمن این‌که یک‌بار دیگر موضع اصولی و پایدار خود در مورد اهمیت پایبندی به اصول محرمانگی از سوی آژانس را تکرار می‌کنیم، قویاً انتظار می‌رود که آژانس به رویه انتشار غیرضروری اطلاعات تفصیلی در مورد برنامه هسته‌ای ایران در گزارش‌های خود، خاتمه دهد». (خبرگزاری مهر ۲۳ آذر ۱۳۹۹).

در قضیه حاضر، این ادعاها چنانچه متضمن دلایل و مدارکی باشد که تصور یا تقصیر آژانس را در عدم حفاظت اطلاعات فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تاثیر آن در وقوع این ترورها اثبات نماید، در آن صورت به نظر نمی‌آید مانعی حقوقی برای اقامه دعوی ایران علیه آژانس در محکمه داوری وجود

داشته باشد.

نتیجه گیری

بررسی‌ها و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل موجود متضمن سازوکارهایی است که اقامه دعوی کیفری و حقوقی علیه عاملان حقیقی و حقوقی ترور دانشمندان هسته‌ای در محاکم حقوقی بین‌المللی را ممکن می‌سازد. اما در عین حال و در شرایط فعلی توسل به این سازوکارها از سوی ایران با محدودیت‌ها و چالش‌هایی مواجه می‌باشد. ایران در چارچوب مقررات کنوانسیون مقابله با تروریسم بین‌المللی سازمان همکاری اسلامی می‌تواند تعقیب کیفری اشخاص درگیر در این ترورها را، در صورت داشتن مدارک دال بر انتساب ترورها به اشخاص مورد نظر، پیگیری کند، اما در عین حال به دلیل عدم عضویت کنوانسیون‌های مقابله با تروریسم از طریق بمب‌گذاری و مقابله با تأمین مالی تروریسم، نمی‌تواند از ظرفیت این دو سند حقوقی برای تعقیب کیفری عاملان ترور در چارچوب مقررات این دو کنوانسیون استفاده نماید. ایران به دلیل عدم تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نمی‌تواند موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای را جهت رسیدگی به آن ارجاع دهد، اما در عین حال این امکان برای کشور وجود دارد که در صورت وجود ادله لازم و اثبات اینکه ترور دانشمندان هسته‌ای از جمله اجزا مادی تحقق یکی از جرائم تحت صلاحیت دیوان بوده، با صدور بیانیه‌ای موردی و قبول صلاحیت دیوان زمینه رسیدگی دیوان به ترور دانشمندان هسته‌ای را فراهم آورد. ایران همچنین از این امکان برخوردار است که در چارچوب مقررات اساسنامه آژانس و به شرط اثبات صلاحیت موضوعی دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به دعوی آن علیه کشورهای مورد نظر بر طبق اساسنامه آژانس، علیه دولت‌های مورد نظر عضو آژانس طرح دعوی نماید. اما به دلیل عدم عضویت در کنوانسیون‌های مقابله با تروریسم از طریق بمب‌گذاری و مقابله با تأمین مالی تروریسم، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای نمی‌تواند از ظرفیت‌های این اسناد برای اقامه دعوی حقوقی علیه دولت‌های عامل ترور دانشمندان هسته‌ای استفاده نماید. ایران می‌تواند بر طبق موافقت‌نامه پادمان جامع و در صورت وجود ادله‌ای که قصور یا تقصیر بازرسان و کارمندان آژانس در وقوع ترورها را ثابت نماید، علیه آژانس در محکمه داوری بین‌المللی پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه مذکور اقامه دعوی نماید.

عدم امکان پیگیری حقوقی اعمال متخلفانه علیه کشور یا اتباع آن در حوزه هسته‌ای به دلیل عدم عضویت در معاهدات بین‌المللی ذی‌ربط محدود به ترور دانشمندان هسته‌ای نشده و موارد

دیگری نیز وجود داشته است که ایران به جهت عدم عضویت در اسناد بین‌المللی مربوط نتوانست حقوق خود را احقاق نماید. در سال ۱۴۰۰ خرابه‌کاری در تأسیسات هسته‌ای نظنز رخ داد که بر اساس نظر مقامات امنیتی کشور نقش عوامل خارجی در آن خرابه‌کاری‌ها مشهود بوده است. اما در این مورد متأسفانه جمهوری اسلامی ایران، به جهت عدم عضویت در معاهدات بین‌المللی مربوطه (کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای و کنوانسیون مقابله با اعمال تروریسم هسته‌ای) نتوانست از سازوکارهای حقوقی آن‌ها استفاده کرده و موضوع را در سطح بین‌المللی پیگیری نماید. وجود این اشکال ایجاب می‌کند که عضویت ایران در معاهدات بین‌المللی حاکم بر انرژی هسته‌ای و آثار و پیامدهای آن با لحاظ تمام جوانب مثبت و منفی آن مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار گیرد.

صرف نظر از این اشکالات و محدودیت‌های حقوق بین‌الملل موجود اساساً در زمینه امنیت دانشمندان و کارشناسان هسته‌ای با کاستی‌هایی مواجه می‌باشد که این نیز می‌تواند اقامه دعوی حقوقی علیه عاملان ترور دانشمندان هسته‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. در حال حاضر معاهدات بین‌المللی هسته‌ای موجود موضوع امنیت و حفاظت دانشمندان و کارشناسان هسته‌ای را مشخصاً مورد توجه قرار نداده‌اند و معاهدات حقوق بشری مربوط به حق حیات و امنیت انسان‌ها نیز (میثاق مدنی و سیاسی ملل متحد) مرجع حقوقی برای فیصله اختلافات بین‌المللی پیش‌بینی ننموده‌اند. نظام حقوقی بین‌المللی فعلی برای حمایت از حیات و امنیت متخصصانی که در صنعت هسته‌ای فعالیت می‌کنند کافی نبوده و در این مورد لازم است مقررات بین‌المللی الزام‌آور جدیدی تصویب و اجرایی شود. در این خصوص به طور مشخص پیشنهاد می‌شود، نهادهای حاکمیتی ذی‌ربط (سازمان انرژی اتمی ایران و وزارت امور خارجه)، علاوه بر پیگیری موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای در چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر تصویب قطعنامه‌ای در خصوص ممنوعیت ترور دانشمندان هسته‌ای، با استفاده از تمام ظرفیت‌های دیپلماسی، در جهت تصویب معاهده بین‌المللی خاص در مورد امنیت دانشمندان و متخصصان هسته‌ای و یا حداقل گنجاندن مقرراتی در متن کنوانسیون‌های حفاظت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای و مقابله با اعمال تروریسم هسته‌ای مبنی بر حمایت از امنیت این دانشمندان اقدام بین‌المللی لازم را به عمل آورند.

منابع

۱. آذری، هاجر، طباطبایی ح صاری، نسرین (۱۳۹۶)، «چالش های نظام حقوقی ایران در الحاق به معاهدات حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین الملل»، **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۸ شماره ۱.
۲. اشرافی، داریوش (۱۳۹۳). «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، **پژوهش های حقوق عمومی**، دوره ۱۵، شماره ۴۲.
۳. بیگزاده، ابراهیم، منا، میرزاده (۱۳۹۴). «تروریسم در اعداد جنایات بین المللی: رویکرد دادگاه ویژه لبنان به تعریف تروریسم بین المللی»، **پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی**، شماره ۶.
۴. جانی پور، مجتبی، سکینه، خانعلی پور واجارگاه (۱۳۸۹). «ارجاع جنایت های بین المللی به دیوان کیفری بین المللی توسط شورای امنیت و آثار آن»، **مجله مطالعات حقوقی**، شماره دوم.
۵. رنجبریان، امیرحسین، کمالی نژاد، حسن (۱۳۹۲)، «تعهد آژانس بین المللی انرژی اتمی به حفاظت از اطلاعات محرمانه هسته ای ایران»، **مجله حقوقی بین المللی**، پاییز و زمستان، شماره ۴۹.
۶. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۷). «ضمانت اجرای کیفری جرائم علیه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، **فصل نامه دیدگاه های حقوقی**، شماره های ۴۴ و ۴۵.
۷. سلیمی، صادق (۱۳۹۳). «ارتباط شورای امنیت و دیوان بین المللی کیفری در پرتو کنفرانس بازنگري ۲۰۱۰»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، سال شانزدهم، شماره ۴۳.
۸. سمیعی اصفهانی، علیرضا، بهرامی، سجاد، افشاری، داوود (۱۳۹۴). «مبارزه با تأمین مالی تروریسم در پرتو اسناد بین المللی»، **فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس**، شماره ۲۲.
۹. شریفی طراز کوهی، حسین، فتح پور، فاطمه (۱۳۹۶). «الزامات مقابله با تروریسم در پرتو انسانی شدن حقوق بین الملل»، **مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، تابستان دوره نهم، شماره دوم.
۱۰. شفیعی سیف آبادی، محسن (۱۳۹۹). «تبیین پروژه ترور دانشمندان هسته ای و آینده پژوهی اقدامات متقابل ایران»، **فصلنامه پژوهش های حفاظتی-امنیتی**، سال نهم، شماره ۳۴.
۱۱. کدخدایی، عباسعلی، زرنشان، شهرام (۱۳۸۶). «امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم»، **پژوهش های حقوقی**، شماره ۱۱.

۱۲. نمایان پیمان؛ صمد، عباسی (۱۳۹۱). «تأملی در قطعنامه ۱۷۷۳ شورای امنیت»، فصلنامه

علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، بهار، شماره ۹.

۱۳. ولی زاده، مریم، الماسی یوسف، زرشکی، فرهاد (۱۴۰۰). «امکان‌سنجی صلاحیت دیوان

کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم،

شماره ۵۴.

14. Agreement between Iran and the IAEA for the Application of Safeguards in Connection with the NPT (INFCIRC/214) 1973.
15. The Agreement on the Privileges and Immunities of the International Atomic Energy Agency 1959.
16. Convention of the Organisation of the Islamic Conference on Combating International Terrorism International Terrorism, Ouagadougou, 1999.
17. Convention on Physical Protection of Nuclear Material, Vienna, 1979.
18. International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings, New York, 1997.
19. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, New York, 1999.
20. International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, New York, 2005.
21. Statute of the International Court of Justice, San Francisco, 1945
22. Statute of International Criminal Court, Rome, 1998.
23. Statute of International Atomic Energy Agency, New York, 1956.
24. Gorove, Stephen (1970). "Sanctions and the Settlement of Disputes: Focus on the IAEA", Catholic Lawyer, Vol.16(2) (1970).
25. Marchuk, Iryna (2017) "Application of the International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism and of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Ukraine v. Russian Federation)", **Melbourne Journal of International Law**, vol.18.
26. Meisel, Tamar (2014) "Assassination: Targeting Nuclear Scientists", **law and policy** Vol.33(2014).
27. Toby, William, "Iranian Scientists as Assassination Targets", **Bulletin of Atomic Scientists**, Vol.76, No.6(2012).

28. Witten, Samuel M. (1998) "The International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings, **American Journal of International Law**, Vol.92.
29. ICJ, Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission on Human Rights (Advisory Opinion), 29 April 1999.
30. Brosius, Robert(2013) "Killing Outside the Law: The Case of Israel' s Policy of Assassinating Iranian Nuclear Scientists in https://scholarship.shu.edu/student_scholarship/8. Heller, Kevin John(2012), "Is Killing Iranian Nuclear Scientists Terrorism? OpinioJuris in <http://opiniojuris.org/2012/01/16/is-killing-iranian-nuclear-scientists-terrorism>.
31. Reuters, "Factbox: Attack on Scientists in Iran", November, 27, 2020, <http://t.co/B5TJVQ5LHI>